



تفسير انجيل متي
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی
مرجع: جی آدامز

پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۱۵

- ۱: سپس گروهی از فریسیان و علمای دین از اورشلیم نزد عیسی آمدند و گفتند:
- ۲: «چرا شاگردان تو سنت مشایخ را زیر پا می گذارند؟
آنها دستهای خود را پیش از غذا خوردن نمی شویند!»
- ۳: او در پاسخ گفت: «و شما چرا برای حفظ سنت خویش،
حکم خدا را زیر پا می گذارید؟
۴: زیرا خدا فرموده است:
"پدر و مادر خود را گرامی دار" و نیز
"هر که پدر یا مادر خود را ناسزا گوید، البته باید کشته شود".
- ۵: اما شما می گوئید اگر کسی به پدر یا مادرش بگوید:
"هر کمکی که ممکن بود از من دریافت کنید، وقف خداست،"
۶: در این صورت، دیگر بر او واجب نیست این گونه پدر خود را گرامی دارد.
این چنین شما برای حفظ سنت خویش کلام خدا را باطل می شمارید.

ورق برگردانده شد (۱ - ۳). با استفاده از همان استدلال و حتی بعضی از همان کلمات، جواب فریسیان و علمایشان را داد. کماکان این طریق پاسخ نیز اعتبار دارد. می گوید، "حکم خدا را زیر پا می گذارید." "زیر پا گذاشتن"، یعنی سو استفاده از کلام خدا. خود و آنچه برای خود بهتر است را واجب می دانند، و بس! افکار و رفتارشان کفایت کار را برایشان می کند، تا اینکه زمین میخورند و دردشان را پیش شما می آورند. اگر مسئله ای وجود دارد، معلوم است که تغییری (در افکار و رفتار) باید صورت بگیرد. لازم است توجه داشته باشیم که عقاید خود را قبل از متقاضی بیان نکنیم، و اگر لازم شد شهادت دهیم، لازم است تذکر بدهیم که معمولاً هیچ دو نفر شهادتشان یکی نیست. یعنی، بر آنچه کلام گفته اتکا کنند، و نه به برداشت ما. بسیاری هستند که از کلام (و نام مسیح) سو استفاده می کنند. التقاط گرا، نام مسیحیانی است که از کلام خدا برای مقاصد شخصی خودشان استفاده می کنند. برای شهرت، ثروت، تصدیق هویت، پول، و غیره، و باکی از کارشان نیز ندارند! اما ما می دانیم که موفق نخواهند شد. چرا...؟ چون آنچه با کلام می کنند برای نقشی که خدا برای کلامش دارد، ساخته نشده است. روح القدس تنها آنچه کلامش نوشته را می پذیرد. افکار و رفتار خدا را کلامش نشان می دهد و روح القدس آن را به طریقی که خود در هر فرزند می خواهد، هضم می نماید. مسیحیانی که منظور خدا را از کلامش نادیده می گیرند و مقاصد خود را جایگزین او می کنند، پایدار نخواهند ماند. ممکن است انسان را بتوان گول زد (و بهره برد)، اما خدا را نه. بیاد داشته باشید، در خلقت دو روح بیش نیست - روح خدا و روح شیطان. روح سوم (یا روح انسان) وجود ندارد. انسان با هر دو روح به دنیا می آید، اما روح خدا توسط روح شیطان محبوس شده و روح شیطان کار فرما است. ایمان به عیسی مسیح است که در بهشت را باز کرده و خدا را در او می افشاند.

متی ۱۵

۷: ای ریاکاران!

- اشعیا درباره شما چه خوب پیشگویی کرد، آنگاه که گفت:
- ۸: «این قوم با لبهای خود مرا حرمت می دارند،
اما دلشان از من دور است.
- ۹: آنان بیهوده مرا عبادت می کنند،
و تعلیمشان چیزی جز فرایض بشری نیست.»
- ۱۰: آنان بیهوده مرا عبادت می کنند،
و تعلیمشان چیزی جز فرایض بشری نیست.»
- ۱۱: نه آنچه به دهان آدمی داخل می شود او را نجس می سازد،
بلکه آنچه از دهان او بیرون می آید،
آن است که آدمی را نجس می سازد.»

"ریاکاران" کسانی هستند که خوب حرف میزنند، اما خود به آنچه می گویند عمل نمی کنند. حرف هایشان احساس بر انگیز و پر جاذبه است، اما کیست که به آن طن بدهد. کوریست که کور دگر را راهنمایی می کند. برادر اگر مسیحی هستی، اول خودت آزمایش بکن، بعداً راجع به آن حرف بزن. مسیح صحبت از مکتب آسمان می کند، نه مکتب این دنیا ("فرایض بشری"). به همین خاطر مسیح می گوید، "این قوم با لبهای خود مرا حرمت می دارند، اما دلشان از من دور است" (۸).

چگونه دل انسان به خدا نزدیک می شود...؟ با تجربه از او. تجربه چگونه بدست می آید...؟ با شناخت مکتب خدا (جمع آیات مربوط به هر موضوع) راجع به موضوع زندگی خود، و اجرای (هضم) آن مکتب در زندگی خود. خدا می گوید این کار باید با همکاری دو یا سه نفر به اجرا گذاشته شود (کلیسا). اصل موضوع اجرای کلام است که با پیگیری مشاوران مسیحی (آزمایش های هفتگی)، میوه روح القدس را بار می آورد.

می گوید، کسانی هستند که "بیهوده مرا عبادت می کنند" ..! عجیب است چگونه این افراد خدائی را که نمی شناسند، "عبادت" می کنند. اما، به یاد داشته باشید که ما روزی مانند ایشان بودیم. ساده است تازه ایمانان را از نظر روحانی حقیر و ضعیف دانست، اما اشکال، چاره شماسست (هیچ). اینگونه اشخاص به هر دلیلی که باشد پای در معبد خدا (کلیسا) گذاشته اند، و آنگونه که خدا آنها را معرفی کرده، باید مورد حمایت کلیسا قرار بگیرند.

آیه ۱۱ به عبارتی می گوید، آنچه برداشت می کنیم نیست که اشکال دارد، بلکه آنچه بجای می آوریم است که اشکال دارد. ما همگی با اشکال به دنیا آمدیم (یا گریه)، و نجات (روزانه) است، که اشکال های ما را بر می دارد. اما اگر اشکال های ما بر نداشته شود، همان گریه و شیون ها، پای بر جای خواهند ماند.

ممکن است متقاضی از شما بپرسد، "چطور کسی می تونه با چنین زنه نفرت انگیز زندگی کنه؟" شما می توانید بگوئید، ببینید خدا راجع به زن، زناشویی و نفرت انگیزی چه گفته و چه می کند. آنوقت، اگر می خواهید به نفرتی که گرابانگیر شما شده (آفرینش شیطان) ادامه دهید. اما قبلاً، حد عقل از آنچه آفریننده شما (آفرینش خدا) گفته، اطلاع داشته باشید. شیطان است که پای در میدان آورده و می آفریند. محبت خدا است که از طریق روح القدس جاری می شود و آنچه خواست پدر است را در فرزندش جاری می نماید (از خود

کندن و به خود افزودن). روح القدس منظور و مقصود خود را دارد، و در هر یک، مطابق با خواست خدا (تا زمانی که قلب می تپد) عمل می نماید.

متی ۱۵

۱۲: آنگاه شاگردان نزدش آمدند و گفتند:

«آیا می دانی که این سخن تو فریسیان را ناپسند آمده است؟»

۱۳: عیسی پاسخ داد:

«هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد،

ریشه کن خواهد شد.

۱۴: آنها را به حال خود واگذارید.

آنها راهنمایی کورند.

هر گاه کوری عصاکش کور دیگر شود،

هر دو در چاه خواهند افتاد.»

۱۵: پطرس گفت: «این مثل را برای ما شرح بده.»

۱۶: عیسی پاسخ داد: «آیا شما نیز هنوز درک نمی کنید؟

۱۷: آیا نمی دانید که هر چه به دهان داخل می شود،

به شکم می رود و بعد دفع می شود؟

۱۸: اما آنچه از دهان بیرون می آید،

از دل سرچشمه می گیرد،

و این است آنچه آدمی را نجس می سازد.

۱۹: زیرا از دل است که

افکار پلید،

قتل،

زنا،

بی عفتی،

دزدی،

شهادت دروغ

و تهمت

سرچشمه می گیرد.

۲۰: اینهاست که شخص را نجس می سازد،

نه غذا خوردن با دستهای ناشسته!»

فریسیان ایرادشان این بود که چرا شاگردان قبل از خوردن دستشان را نمی شویند، چون سنت علما و حکیمان دین این بود. آنچه عیسی می خواهد بیاموزیم اینست، که اشکال از دل است، چون آنچه بر میخیزد از دل است. دلی که محبت بی ریای خدا را کسب کرده، از آنچه فهرست کوچکی از شرارت ها را که عیسی بیان کرده (۱۹)، در امان است.

برای بسیاری ساده نیست دست از حکمت دینی خود بردارند، چون شباهاتی را میان دین خود و مسیح می بینند. مثلاً خدا نامیست که بیشتر ادیان دنیا دارند، اما هیچ یک با هم یکی نیستند. چرا...؟ چون شیطان پخش می کند. انسان مخلوق خداست، و خدا را در دل دارد. اما محبوس و در بند است. به این خاطر، انسان سعی کرده از طریق دین و مذهب راهی به او پیدا کند. آن هم به جایی نرسید. عیسی می گوید، "هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، ریشه کن خواهد شد". چرا...؟ چون کار شیطان پیشبرد ملکوت جهنم است. همانگونه که روح القدس ("نهال کاشته") بر زندگی انسان رخنه می کند، همانگونه شیطان (نهالی که انسان با آن به دنیا آمده) نیز، جلودار کار او خواهد بود.

عیسی می گوید، "انها را به حال خود واگذارید. آنها راهنمایانی کورند." "کور" به معنی کوری چشم دل است، که هنوز بازیافته نشده است. ما مسیحیان با چشمان دلمان خدا را می بینیم. عیسی با دادن جان خود، چشمان دل ما را باز کرد تا حقایق را درست ببینیم. آنکه نچشیده، جز حرف راجع به او، چیز دیگری ندارد بدهد. شنیده، اما نچشیده. مشکل اینجاست که کسی نبوده با کلام خدا به داد او برسد (شنیدن را تبدیل به چشیدن کند). این کار یک نفر نیست! خدا این را در کلامش گفته. عیسی کلیسایش را بر مبنی همین ساخت. عیسی می خواهد کلیسایش مانند پولس شب و روز در خدمت به شاگردانش باشند.

پطرس مثال نهال ها را نفهمیده بود. عیسی با تعجب به او پاسخ داد (۱۶). خدا تعجب نمی کند. انسان است که تعجب می کند. خدا در انسانی به نام عیسی تعجب کرد، تا ما را بیدار کند و به خود آئیم. می گوید هنوز از تمام قدرت خود استفاده نکردی. البته در فیض خود عیسی مثال نهال ها را نیز برایشان باز کرد (۱۷) - (۲۰).

تمام این قسمت از کتاب برای آموزش شاگردان و مشاوران مسیحی لازم است. کلیسا نیاز به مشاورانی دارد که آموزش استفاده از کلام خدا در حل مسائل و مشکلات زندگی را داشته باشند. آنچه برای انجام چنین کاری نیاز است نیز، حال فراهم شده. دیگر خود دانید، یا خود کار کلیسا را در دست می گیرید یا خدا. اینجا لازم به تذکر است؛ اشخاصی که مسیحی هستند و مکتب روانشناسی را آموزش دیده و برداشت نموده اند، چیزی جز التقاط گرائی ندارند که ارائه بدهند. مانند خوراک سالادی است که چند تا آیه روی آن پخش کرده اند و در نام مسیح بخورد فرزندان خدا می دهند. حال مکتب خدا برای مسیحیان آشکار شده، حقیقت فاش گردیده و بهانه ای نمانده. و هر که برداشت کند، بیش از نیازش به او داده خواهد شد.

متی ۱۵

- ۲۱: عیسی آنجا را ترک گفت
و در منطقه صور و صیدون کناره جست.
- ۲۲: روزی زنی کنعانی از اهالی آنجا، نزدش آمد و فریادکنان گفت:
«سرور من، ای پسر داوود، بر من رحم کن!
دخترم سخت دیورده شده است.»
- ۲۳: اما عیسی هیچ پاسخ نداد،
تا اینکه شاگردان پیش آمدند و از او خواهش کرده، گفتند:
«او را مرخص فرما، زیرا فریادزنان از پی ما می آید.»
- ۲۴: در پاسخ گفت:
«من تنها برای گوسفندان گم گشته بنی اسرائیل فرستاده شده ام.»
- ۲۵: اما آن زن آمد و در مقابل او زانو زد و گفت:
«سرور من، مرا یاری کن!»
- ۲۶: او در جواب گفت:
«نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن روا نیست.»
- ۲۷: ولی زن گفت:
«بله، سرورم، اما سگان نیز از خرده هایی
که از سفره صاحبشان می افتد، می خورند!»
- ۲۸: آنگاه عیسی گفت:
«ای زن، ایمان تو عظیم است!
خواهش تو برآورده شود!»
در همان دم دختر او شفا یافت.

اینجا از سرزمین جلیل خارج می شویم و وارد سرزمین غیر یهودیان "منطقه صور و صیدون" می شویم (۲۱ - ۲۸). تا جایی که تاریخ ثبت نموده، این نام سرزمین فلسطین بوده. در این قسمت از کتاب، به قدرت ایمان به عیسی و کاری که انجام می دهد را می آموزیم. این زن کنعانی راجع به عیسی شنیده بود و "نزدش آمد و فریادکنان گفت: «سرور من، ای پسر داوود، بر من رحم کن!». مثال معروفی هست که می گوید وقتی وارد به استخوان رسید، آدم فریاد می زند خدایا کمک کن. اما، عیسی پاسخ نداد (مخصوصاً). می گوید اگر ایمان به خدا نداشته باشید، انتظار دریافت از او را نداشته باشید. روح القدس است که کار را انجام می دهد، اما اگر حمایت از او نکنید، او را محبوس کرده اید و کماکان در ملکوت شیطان بسر می برید. این زن (غیر یهودی) به حدی به عیسی ایمان آورده بود که جواب رد را نپذیرفت. معمولاً در هفته های اولیه مشاوره مسیحی نیز، شاهد ادامه درماندگی متقاضیان باید بود. روح القدس در هر یک از فرزندان خدا بگونه خاص خود عمل می کند، و در بعضی زود به نتیجه می رسد و در بعضی دیرتر. اگر مشاور خدمت به خدا می

کند، فرق نباید داشته باشد کی به نتیجه می رسد. اما، بسیاری از سد معبر های راه خدا، ایمان است، که ابتدا تقویت نشده است (اشعیا ۴۰: ۱ - ۵). ابتدا زمینه کار روح القدس^(۱) باید فراهم شده باشد تا او توانائی کار خود را داشته باشد. عیسی حقیقت را می گوید، اما بدون ایمان به او این حقیقت نتیجه خود را نمی گیرد. می گوید، "نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن روا نیست". معمولاً وقتی بدون ایمان از عیسی چیزی مطالبه می کنیم، آن را دریافت نمی کنیم که هیچ، مایوس و دل شکسته نیز می شویم. این کار شیطان است که با ایجاد چنین نتیجه ای، می خواهد شما دست از خدا بردارید (مایوس و دل شکسته). با فشار های زندگی می خواهد لعنت شما را از این زندگی در آورد. دشمن او خداست، و ما ایمانداران وسیله ابراز آن خشونت هستیم. نباید فراموش کرد که همه در گناه به دنیا آمده ایم، و بسیاری از سد معبر های راه خدا برای ما ایمان بوده است. خدا می گوید، "راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید" (اشعیا ۴۰: ۳). زن سامری می گوید باشد که من سگ هستیم، اما از خورده نان های شما برداشت خواهیم کرد! خدا نان روزانه فرزندانش را می دهد. اما ایمان به روح القدس است که توانی برداشت از آن نان را می دهد. موضوع جنبه جنگ روحانی شیطان و خداست در دل ایماندار.

اگر ایماندار پشتیبان روح القدس درون خود بوده باشد، نتیجه آن دو نفر علیه یک نفر شیطان می گردد، و اینگونه برتری قوا به سود ایماندار خواهد بود. فراموش نکنید، فرزندان خدا قرار نیست همه شبیه به هم بشوند، بلکه هر یک به نوع خواص خود، شباهت به عیسی را بدست آورند. منظور محدوده تنگ و باریک راه خداست^(۲)، که معیار را برای هر یک فراهم می سازد. روح القدس یکیست، اما در هر فرزند خواست ویژه خدا را نیز دارد. به این خاطر است که ما مشاوران مسیحی باید کلام خدا را بشناسیم و از محدوده تنگ باریک خدا حفاظت کنیم. بسیاری از روی افکار سیاسی یا هنری یا غیره، معتقدند که برداشتی که دارند حقشان است، چون ایمان آورده اند. مثلاً می گویند، با وجود آنکه می دانم خدا نمی خواهد زخم را طلاق بدهم، او را طلاق خواهم داد، چون خدا گفته... (رومیان ۸: ۲۸) هر بدی که بر من وارد می شود را تبدیل به خوب خواهد کرد! شاید در بعضی کلیسا ها این روح شیر خاکی رواج داده شود (همش صحبت و دریق از یک اشاره به چگونگی برداشت)، ولی همانکه خدا این کتاب را برای خاندن در دست شما گذاشت، نشان فصل تازه طلوع گوشت خواری (تقدیس) است (اول پطرس ۱: ۱۶). دانستن بدون تجربه هیچ فایده ای ندارد و خوراک ملکوت شیطان خواهد شد. آنوقت در آیه ۲۸ می بینیم که ایمانش ثابت بود و به کام خود رسید.

متی ۱۵

۲۹: عیسی از آنجا عزیمت کرد و کناره دریاچه جلیل را پیموده،
به کوهسار رسید و در آنجا بنشست.

۳۰: جماعتی بزرگ نزد او آمدند

و با خود لنگان و کوران و مفلوجان و گنگان و بیماران دیگر را آورده،
پیش پای عیسی گذاشتند و او ایشان را شفا بخشید.

۳۱: مردم چون دیدند که گنگان سخن می گویند،

مفلوجان تندرست می شوند،

لنگان راه می روند

و کوران بینا می گردند،

در شگفت شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند.

دوباره متوجه جمعیت انبوهی که در انتظار عیسی بودند می شویم (۲۹، ۳۰). اینجا حتی مردم بالای کوه رفتند تا او را ببینند. البته برای مفلوجان کار مشکلی بود، اما هر چه باشد خود را به عیسی رساندند و "مردم چون دیدند که گنگان سخن می گویند، مفلوجان تندرست می شوند، لنگان راه می روند و کوران بینا می گردند، در شگفت شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند" (۳۱). می گوید، "مردم چون دیدند در شگفت شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند". در یوحنا ۲۰: ۲۹ عیسی می گوید، "«آیا چون مرا دیدی ایمان آوردی؟ خوشا به حال آنان که نادیده، ایمان آورند»".

متی ۱۵

۳۲: عیسی شاگردان خود را فرا خواند و گفت:

«دلم بر حال این مردم می سوزد،

زیرا اکنون سه روز است که با منند

و چیزی برای خوردن ندارند.

نمی خواهم ایشان را گرسنه روانه کنم،

بسا که در راه از پا درافتند».

۳۳: شاگردانش گفتند:

«در این بیابان از کجا می توانیم

نان کافی برای سیر کردن چنین جمعیتی فراهم آوریم؟»

۳۴: پرسید: «چند نان دارید؟»

گفتند: «هفت نان و چند ماهی کوچک».

۳۵: عیسی به مردم فرمود تا بر زمین بنشینند.

۳۶: آنگاه هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری،

آنها را پاره کرده، به شاگردان خود داد

و ایشان نیز به آن جماعت دادند.

۳۷: همه خوردند و سیر شدند

و شاگردان هفت زنبیل نیز پر از خرده های باقی مانده برگرفتند.

۳۸: شمار کسانی که خوراک خوردند،

غیر از زنان و کودکان،

چهار هزار مرد بود.

۳۹: پس از آنکه عیسی مردم را مرخص کرد،

سوار قایق شد و به ناحیه مَجْدان رفت.

در این قسمت دوباره از قدرت محبت خدا آموزش می گیریم. ابتدا متوجه می شویم که عیسی نگران حال جسمانی مردم بود. مسائل زندگی درست است که همه ریشه روحانی دارند، اما آنچه محسوس می باشد، درد و بلائی است که از آن سر چشمه می گیرد. این مسائل جانبی (خصوصاً احساسی)، ابتدا باید از سر راه برداشته شوند (و مسائل پزشکی) تا او توانائی برداشت روحانی را بدست آورد. عیسی می توانست به حرف هایش ادامه بدهد (که اصل موضوع است)، اما نگران حال جسمانی مردم گردید. "پرسید: «چند نان دارید؟» گفتند: «هفت نان و چند ماهی کوچک»." قبلاً نیز همان چند نان و ماهی را چندین برابر کرده بود، و این بار شاگردان را می خواست امتحان کند. اما پاسخشان این بود، "در این بیابان از کجا می توانیم نان کافی برای سیر کردن چنین جمعیتی فراهم آوریم؟" (۳۱). عیسی این را شنید، و خود دست به کار شد و آنچه در دست بود را برکت داد و "همه خوردند و سیر شدند و شاگردان هفت زنبیل نیز پر از خرده های باقی مانده برگرفتند" (۳۷)(۳).

عیسی همیشه بیش از آنچه نیاز داریم را عطا می کند و "هفت زنبیل نیز پر از خرده های باقی مانده" نشان آن می باشد. پس از آنکه خدمتش پایان پذیرفت باز سوار قایق شد و به ناحیه مَجْدان رفت (۳۹).

فهرست زیر نویس های فصل پانزدهم

- (۱) زمینه کار روح القدس را در آخر فصل دوازدهم می توانید مشاهده کنید.
- (۲) محدوده تنگ و باریک را می توانید با مطالعه کتاب 'مکتب روحانی مشاوره مسیحی' بدست آورید.
- (۳) دوم تیموتوس ۲ : ۱۳ می گوید، "اگر بی وفا شویم، او وفادار خواهد ماند، از آن رو که خویشان را انکار نتواند کرد". "خویشان" همان روح القدس درون ماست.